

## - اومانيسم رهايي و آدميت ايراني از هارتلند - ريملند بزرگ تا جغرافياي جهاني<sup>۱</sup>

مهدي مطهرنيا<sup>۲</sup>

### - مقدمه

تحولات جاري ايران ۱۴۰۱ که با نام های گوناگونی چون جنبش اعتراضی، گرفته تا جنبش انقلابی و انقلاب نوین ایران از آن یاد آمده است مورد پروای جدی قرار گرفته است. از این تحول سالی پیش از آغاز تحت عنوان کدگذاری شده ی «مهرضیه<sup>۳</sup>» بر اساس مکتب «نظام جامع شناخت و رادار آینده ها» در باریخ شناسی کاربردی یاد آورده و در شبکه های اجتماعی آن را گوشزد نموده بودم.

اخيرا مقاله ای از رابرت. دی کاپلان در بلومبرگ منتشر شد. این مقاله با عنوان «اومانيسم رهايي و آدميت ايراني از هارتلند - ريملند بزرگ تا جغرافياي جهاني»<sup>۴</sup> منتشر شد و برای من نیز توسط دوستان اندیشکده سیمرغ باریخ که بادیدگاه های من آشنا یودند، ارسال گشت. آن را ترجمه کردم<sup>۵</sup> و وعده نمودم که مقاله ای موجز و در همان حال تکمیلی در این ارتباط را که با "واژه سارهای اومانيسم رهايي و آدميت ايراني" مطرح کرده ام، منتشر سازم.

ریشه های این اندیشه را می توانید در کتابچه ی «پاسخ به رئیس جمهور» ردیابی نمائید. این کتابچه در

سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) منتشر شد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> Liberation liberation humanism and Iranian humanity from Heartland - Great Rimland to global geography

<sup>۲</sup> رئیس هیأت مدیره و ریاست اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ (سیمرغ باریخ)

<sup>۳</sup> Mehraziah

<sup>۴</sup> A Democratic Iran Is Coming and It Will Lead the Middle East

<https://www.bloomberg.com/opinion/articles/۲۰۲۲-۰۷-۱۶/russia-ukraine-war-romania-fears-it-may-be-next-on-putin-s-hit-list>

<sup>۵</sup> <https://barikhnews.com/۱۰-۱۲-۲/>

<sup>۶</sup> <https://t.me/Mmotaharnia/۶۰۶۲>

<https://t.me/Mmotaharnia/۵۸۲۶>

نظریه هایی مانند هارتلند - ریملند بزرگ ، به همراه دیدگاه هایی برای گذار از دهکده جهانی مک لوهان و جهان مسطح فریدمن به همراه «سه گانه های آبگونه» ی اتاق شیشه ای، گوی بلورین، و فلک آبگینه من، در همین راستا قابل تأمل و برساخته شده اند. من همه این نظریات را در یک مجموعه پیوسته و در همان حال مجزا مطرح کردم.

اکنون با مطرح شدن این مهم زمان آن فرا رسیده است که آشکارتر و در یک مجموعه این مهم مورد توجه قرار گیرد و با ورود به سال ۲۰۲۳ و آستانه وارد شدن به سال ۱۴۰۲ هجری شمسی در ایران به آن پردازیم. این تنها یک مقاله با رویکرد آینده اندیشانه است. تلاش دارد به آن چه امروز و در هزاره سوم میلادی می تواند در قرن بیست و یکم اثری جهانی به جا بگذارد پردازد.

### -جهان در شتاب

دیگر سرعت<sup>۷</sup> در بیان تحولات گوناگون در سطوح متعدد جهان پاسخگو نیست. باید "شتاب"<sup>۸</sup> را به کار برد. این شتاب در همه وجوه حیات بشر در حال اثرگذاری در هندسه درونی و بنیاد های قدرت در جهان آینده است.<sup>۹</sup>

---

<sup>۷</sup> Speed

<sup>۸</sup> Acceleration

<sup>۹</sup> برای مطالعه: مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۶)، آینده قدرت، انتشارات فارابی

اين شتاب تنها گريبانگير يك کشور يا منطقه نخواهد شد. تغيير همه ابعاد بروني و دروني را هدف قرار خواهد داد. تنها هندسه زيرين قدرت در سطح بيروني تغيير نخواهد کرد. قرن بيست و يك را قرن «روح مصنوعي»<sup>۱۰</sup> و «شکافت زمان»<sup>۱۱</sup> خوانده ام.

جغرافياي قدرت بار ديگر هندسه منطقه بندي  
قدرت را تجربه خواهد کرد. اما اين بار اين  
تجربه نسبت به گذشته ها از نظر ماهيت  
مفهوم قدرت متمايزتر از هميشه خواهد بود.  
دگرگوني تنها در هندسه جهاني قدرت نخواهد  
بود. بلکه در جوهره و ماهيت قدرت تکانه  
هاي مهمي روي خواهد داد.

---

<sup>۱۰</sup> Artificial Spirit or Artificial Soul

<sup>۱۱</sup> Instant Fission

اما، باور دارم، يکي از مهم ترين نقطه هاي گره اي اين تغيير شتابناک در "نوهارتلند" يعني فلات ايران با مرکزيت تهران خواهد بود جداسازي سه مجموعه به هم پيوسته ژئوپوليتيک «هارتلند نو، نوهارتلند و هارتلند عليا يا بالا در برابر سفلي» را در نظريه هارتلند ريملند بزرگ<sup>۱۲</sup> از اوایل دهه ۲۰۰۰ م. جدا ساخته ام. نو هارتلند قفل طلايي کمر بند هارتلند - ريملند بزرگ<sup>۱۳</sup> است و هلال آن از تنگه هرمز تا خليج عدن و دامنه آن تا تنگه باب المندب را در بر مي گيرد. نو هارتلند اين بار نيز «پل پيروزي<sup>۱۴</sup>» است.

تمام نشانگان ضعيف، متوسط، و قدرتمند<sup>۱۵</sup>، همراه با تحليل پيشران هاي موجود نشان از تغييرات بزرگ و در همان حال نسبت به گذشته پرسرعت دارند. اين تغييرات بيش از هرچيز در پيشاني پيشرانه ها تحت اثرات «مرگ فاصله ها» ناشي از گسترش و توسعه فناوري هاي ارتباطي ميان آدميان مي باشد. من عصر آينده را از اين جهت «دوران شبکته هاي فرااجتماعي MSN<sup>۱۶</sup>» ناميده ام. در اين دوره پيشاروي ما شاهد مرگ رسانا<sup>۱۷</sup> ها در رسانه<sup>۱۸</sup> خواهيم بود.

کاپلان در مقاله ي اخير خود مي نويسد: «در حالي که بسياري از کشورهاي عربي که در طول بهار عربي دچار هرج و مرج شدند، مرزهاي مصنوعي دارند که توسط اروپايي ها ترسيم شده است - به جاي اين که کشورهاي قوي تاريخي باشند، آن ها صرفاً بيان هاي جغرافيايي مبهم هستند - هيچ چيز مصنوعي در مورد ايران وجود ندارد. ايران با جمعيت تحصيل کرده ۸۵ ميليوني، بزرگتر از هر کشور عربي به جز مصر، مترادف با فلات ايران، يکي از ويژگي هاي جغرافيايي حياتي منطقه است. اين فلات از غرب به بين النهرين

<sup>۱۲</sup> <https://t.me/Mmotaharnia/۵۷۲۱>

<sup>۱۳</sup> Golden Lock of Heartland Belt - Great Rimland

<sup>۱۴</sup> Victory Bridge

<sup>۱۵</sup> Signal: weak, medium, Strong

<sup>۱۶</sup> the era of Meta-Social Networks

<sup>۱۷</sup> Conductor

PHYSICS

a material or device that conducts or transmits heat, electricity, or sound, especially when regarded in terms of its capacity to do this.

graphite is a reasonably good conductor of electricity

<sup>۱۸</sup> Media

و از شمال شرق بر آسيای مرکزی مشرف است و بر آن تأثیر می گذارد. در این تصوير همان نوهارتلند را می توان بازيافت. کمر بند طلايي قدرت در قرن بيست و يکم ميلادي و قفل کمر بند هارتلند - ريملند بزرگ در همين جا است.

این قرن در آستانه هزاره سوم آغازی مهم تر از همه ی آغازها در یک روند معنادار، ولی بخش مهمی از شروع عصر جدیدی در تاريخ زندگي آدميت است که بيش از هر چيز به احتمال بالا تحت اثر «اومانيسم رهايي و آدميت ايراني»<sup>۱۹</sup> قرار خواهد گرفت. آن چه در ايران امروز رخ می دهد می تواند شتاب دهنده يا از نيروهاي پيشران<sup>۲۰</sup> مهم ؛ بلکه مهم ترين پيشرانه در اين روند باشد.

### - ايران دموکراتيک و رهبري جهان

کاپلان نوشته است: «ايران دموکراتيک در راه است و خاورميانه را رهبري خواهد کرد». من می گويم: «ايران دموکراتيک در راه است و جهان را تکان خواهد داد».

مهم ترين پرسش در سطوح گوناگون تحليل در ميان موافقان و مخالفان تحولات موجود در ايران؛ اين است که آيا تحولات منتهی به ۱۴۰۱ می توانند به انقلابی تمام عيار تبديل شوند که بتواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟ من به بالاتر از اين می انديشم. اين که جنبش سبز در دهه ۱۳۸۰ ه. ش در ايران اگر بر بهار عربي يا انقلاب ياس و نان اثر گذاشت اين موج می تواند تغييرات قدرتمند تری بر روی آن امواج فراهم آورد. دگرگون سازی ريشه داری که دهه ها پيش در شرق و با مرکزيت فلات ايران و نوهارتلند آغاز شده است.

<sup>۱۹</sup> Liberation humanism and Iranian Humanity

<sup>۲۰</sup> Driver forces

کاپلان نوشته است: «ايران دموکراتيک در راه است و خاورميانه را رهبري خواهد کرد». من مي گويم: «ايران دموکراتيک در راه است و جهان را تکان خواهد داد.»

با اين دوره از تحولات مي تواند موج قدرتمندي از تغيير آغاز شود که تمامي جهان را تحت پيامدهاي اثرات خود قرار دهد. برخي معتقدند که «پل» قبلاً رد شده است: من هم مي گويم گذرگاه قبلاً آغاز شده است. آنچه که با تظاهرات پراکنده عليه قوانين پوشش محدود براي زنان آغاز شد - که با مرگ مهسا اميني در بازداشت پليس اخلاق آغاز شد - مدتهاست که به فراخوان هاي تمام عيار تبديل شده است. اما اين تنها حکومت در تهران را نشانه نخواهد رفت. ايرانيان بايد به والاتر از اين بياندیشند . در اينجا ايرانيان مجموعه بهم پيوسته اي از مردمان ايران زمين موافق و مخالف در داخل و خارج از جغرافياي ايران زمين ولي داخل در اومانيسم رهايي و آدميت ايراني هستند که اگر فرصت را دريابند جهش يا موتاسيون بزرگي را شاهد خواهند بود اکنون زمان «پرواز بلند»<sup>۲۱</sup> فر رسیده است

## - انقلاب ۵۷

در تئوري از پيروزي تا پيروزي انقلاب اسلامي در ايران<sup>۲۲</sup> انقلاب ها را از پگاه آغاز عملياتي آن ها در چهار فصل جدا ساخته ام:

- 1 - فصل انفجار انقلابي
- 2 - فصل وضعيت انقلابي

<sup>۲۱</sup> high flight

<sup>۲۲</sup> <http://ensani.ir/fa/article/11068/%D%A%AF%D%B1-%D%AF%DA%AF%D%B1%DA%AF%D9%88%D9%86-%D%B3%D%A%D8%B2%DB%AC-%D9%87%D8%A7%DB%AC-%D8%AF%DB%AC%D9%86>

3 - فصل انتظار انقلابي

4 - فصل انعكاس انقلابي

فصل چهارم از اين سال كامل انقلاب ها را به دو نتيجه پاياني متمايز جدا ساخته ام.

✓ انعكاس - اعتبار

✓ انعكاس - اعتراض

انقلاب ها آغاز مي شوند . رژيم ها را دگرگونه مي سازند. اين «واقع پيروزي»<sup>۲۳</sup> است. اما، «حقيقت پيروزي» يا «واقعيت پيروزي»<sup>۲۴</sup> نيست.<sup>۲۵</sup>

ايران امروز اكنون در فصل چهارم قرار دارد. فصلي سخت كه از همه فصول گذشته مهم تر و حياتي تر است. فصلي كه سال هايي بالغ بر يك قرن كوشش ملت ايران را در دوره مدنيت و مدرنيسم با عمه ي تجارب سخت آن پشت سر دارد.

در مقاله «در دگرگوني سازي هاي دين»، به تاريخ ۱۳۸۶ هجري شمسي نوشتم: «انقلاب ها، در پرتو پيروزي بر رژيم حاكم «واقعيت پيروزي» را ادراك مي كنند و در بستر پيروزي واقعي حاصل از سرنگوني رژيم كه، نظام جديدي را استقرار مي بخشد كه مولود حركت انقلابي حاصل از دگرگوني هاي اجتماعي است. استقرار نظام جديدي و پيروزي هاي بعدي در فصول زمان پس از پيروزي انقلاب نيز اهميتي جدّي و حتي بسيار بيشتر از قبل از پيروزي انقلاب دارند.

<sup>۲۳</sup> Victory Actually

<sup>۲۴</sup> Victory Truth or Reality

<sup>۲۵</sup> مفهوم شناسي سند چشم انداز: شاخصه ها و الزامات فراروي انقلاب اسلامي. نويسنده: مهدي مطهرنيا. منبع: اندیشه انقلاب اسلامي بهار و تابستان ۱۳۸۴ شماره ۱۳

از آوازين مرحله دستيابي به «واقعيت پيروزي» تا دستيابي به «حقيقت پيروزي» يا پيروزي حقيقي انقلاب‌ها، چهار دوره طي مي‌شود: ۱- دوره انفجار انقلابي؛ ۲- دوره وضعيت انقلابي؛ ۳- دوره انتظار انقلابي؛ ۴- دوره انعكاس انقلابي.

اين دوره‌ها را بايد در تطبيق تاريخي انقلاب‌ها مورد توجه قرار داد. اگرچه نقطه آوازين انقلاب اسلامي ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانسته مي‌شود، دوره «انفجار انقلابي» با حضور مسجل و مسلم «دين»، كه در عرصه تحرك انقلابي و در ساحت تعريف سياسي از گزاره‌هاي ديني - قبل از اين دوران در مقام زمينه‌پرور و زمينه‌ساز تسريع‌كننده انقلاب - حضوري جدّي دارد، به تاريخ ۱۹ دي ۱۳۵۶ - با قيام مردم قم بر ضد مقاله توهين‌آمизи با نام مستعار احمد رشيدی مطلق - آغاز شد.

دوره نخست، يعني انفجار انقلابي، از اين تاريخ آغاز شد و با دستيابي به پيروزي در بهمن ۱۳۵۷، توانست رژيم كهن را فروپاشد. اين «واقعيت پيروزي» بود كه با انتخابات ۱۲ فروردين ۱۳۵۸ و رأی مردم به «جمهوری اسلامی ایران» امضا شد و پايان پذيرفت؛ و استقرار رژيم جديد، پايانی بر دوران و فصل انفجار انقلابي بود. کارکردهای چهارگانه انسجام عاطفی، بازآفرینی فرهنگی در شکل‌بخشی و محتوا دهی به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، معناسازی مورد نیاز برای نظام تازه‌تأسیس و ایجاد انسجام اجتماعی در پرتو آن، کاملاً خود را به نمایش گذاشت؛ و زمان بروز و حضور بسیار کوتاه این دوران و این پایان، بس مهم، نشان‌دهنده تأثیر تسريع‌کنندگی ايدئولوژی اسلام انقلابي است.



دوره دوم «وضعيت انقلابي» است. انقلاب ادامه مي‌يابد و پس دوران انفجار انقلابي فصل دوم انقلاب آغاز مي‌شود؛ ويژگي اين فصل بازتعريف نهادهاي کلاسيک مورد نياز باقي‌مانده از رژيم کهن است؛ و چهره ديگر اين فصل مهندسي سازمان‌ها و نهادهاي جديد مورد نياز است.

بازتعريف نهادهاي سنتي و تاسيس سازمان‌ها و نهادهاي مورد نياز انقلابي و «نهادينه کردن انقلابي» اين سازمان‌ها در دوره وضعيت انقلابي انجام مي‌شود. اين دوران در انقلاب اسلامي ايران حد فاصل زماني ۱۲ فروردين ۱۳۵۸ تا ۲ خرداد ۱۳۷۶ را در بر مي‌گيرد. تلاش دولت‌هاي انقلابي در نظام جمهوري اسلامي ايران و بيشترين انرژی هدايت‌شده در اين سال‌ها متوجه دستيابي به پيروزي در اين مهم در فضاي انقلابي و بروز مسائل ناشي از جنگ تحميلي است. مسلم است که در اين دوران نيز، چه در انجام دادن اين مهم و چه در تقابل با مسائل ناشي از تحركات ضدانقلابي و تحمیل هشت سال جنگ بر ملت ايران، دين و تفسير انقلابي از گزاره‌هاي ديني در جهاد تدافعي، تأثيري بسزا و انکارناپذير دارد. اين در حالي است که در چنين بافت موقعيتي مخاطره‌انگيزي، تأثير تسريع‌کنندگي «دين» در نهادينه شدن سيستم‌ها و نهادهاي تازه تاسيس انقلابي، بر هيچ ناظر منصفی پوشيده نيست.

فصل سوم انقلاب‌ها، فصل «انتظار انقلابي» است که محصول به فرجام رسيدن «وضعيت انقلابي» و موفقيت در اين دوران است. اين فصل بسيار حساس و مخاطره‌انگيز است؛ چراکه فربه شدن «نياز»ها، ارتفاع‌پذيري سطح توقعات و شتاب‌پذيري تبديل «خواسته»ها به «نيازها» در اين دوران روي مي‌دهد؛ و نظام انقلابي را در معرض بزرگ‌ترين آزمون انقلابي در پس از پيروزي انقلاب قرار مي‌دهد؛ مکاني از جغرافياي زماني پس از پيروزي، که انقلاب را در معرض «امتحان جامع» براي حصول به پيروزي حقيقي در فصل بعد قرار مي‌دهد. پيچ خطرناک انقلاب‌ها در اين زمان هويدا مي‌شود که از يک منظر با بالا رفتن ميزان فشارهاي دروني و

بروني بر نظام حاكم در ساحت «اثبات كارآمدی» آن، خطر «مرعوب شدن» را در پی دارد؛ و از منظر رودرروي آن، به دليل نهادينه شدن نهادهای انقلاب و دستيابی به لايه‌های به نسبت متراکم از «موفقيت»ها در عرصه واقعيّت پيروي، خطر «مغرور شدن» را با خود به همراه می‌آورد.

نظام‌های انقلابی در اين دوره بايد كارآمدی‌های خود را در پاسخگویی به نیازهای واقعي و خواسته‌های حقيقي مردی که در انقلاب از جان، مال و آبروی خود هزینه کرده‌اند؛ به نمایش گذارند. در اين دوره نمی‌توان پی‌بن دست نیافتن به موفقيت را به رژيم گذشته نسبت داد. از اين دیدگاه، مخاطره‌انگيزترين جغرافياي زماني پيروي انقلاب در اين دوره رخ نشان می‌دهد. اين دوره از ۲ خرداد ۱۳۷۶ تا اکنون در انقلاب اسلامی ايران ادامه دارد.

فصل چهارم انقلاب‌ها، پژواک موفقيت انقلاب در ثابت کردن كارآمدی نظام جديد در بهره‌مندی از واقعيّت پيروي، و پشت سر گذاردن فصول سه‌گانه پيش‌گفته در حصول به «حقيقت پيروي» است. در اين نگرش موفقيت نظام انقلابی در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، زمينه‌ساز بروز حالت انعكاس — اعتماد فزاینده به نظام انقلابی — است که سرانجام، به نهادينه شدن خود انقلاب و حصول به پيروي حقيقي منجر می‌شود.

اين در حالی است که در صورت موفق نشدن انقلاب‌ها در اين آزمون جامع، زمينه‌های وضعيت انعكاس — اعتراض — آماده می‌شود؛ و انقلاب و نظام حاصل از آن در برابر مشکلات جدی ناشی از فقدان مدیریت لازم برای عبور از اين پیچ خطرناک قرار می‌گیرد.

بی تردید وجود چهارگانه کارکردهای نهاد دین و رهیافت تسریع‌کنندگی و مهم‌تر از آن، تسهیل‌کنندگی و هدایت‌کنندگی آن می‌تواند بزرگ‌ترین «بنیاد قدرت» انقلاب‌ها در گذار از این پیچ خطرناک و قبولی در این آزمون جامع باشد.

این نظریه در نیمه نخست دهه ۱۳۸۰ نگاشته شد و اولین اثر آن برای ورود به آستانه فصل چهارم در سال ۱۳۸۸ خود را نشان داد. در یاد دارم وقتی سال ۱۳۸۷ آن را در کنفرانسی با حضور بعضی از آقایان بیان کردم و پیش بینی نمودم که از سال ۱۳۸۸ وارد این تونل خواهند شد رئیس وقت صدا و سیمای آن دوره گفت: «پائین تر از دیپلم بگو تا ما هم بفهمیم». او سخنران بعدی این همایش بود.

اکنون تحت اثر دهه‌ها گذار تاریخی پرهزینه در ایران زمین **اومانیسیم رهایی** متکی بر نسل A است. ۲۶ **آدمیت ایرانی** از درون سال‌ها زیست تجربی در زمانه‌ی گذار بحران‌زا و بحران‌زی در ایران سده اخیر در بیش از صد سال پیش از این - ۱۹۰۵ تا ۲۰۲۵ - را دربرخواهد گرفت.

این زمانه کمی نیست. محدودسازی آن چه در ایران امروز می‌گذرد به یک یا دو دهه پیش آدرس دهی اشتباه به اکنون و فرداها است.

کاپلان می‌نویسد: «ایران نه یک، بلکه با دو منطقه وسیع تولیدکننده انرژی روبرو است، خلیج فارس که خطوط کشتیرانی از آن تابش می‌کند و دریای خزر که خطوط لوله نفت و گاز از آن می‌آیند.»

اين کشور بيش از هر کشور ديگري در خاورميانه داراي ذخاير گازی است و از نظر ذخاير نفتي پس از عربستان سعودي در رتبه دوم قرار دارد».

اين بخشی از موضوع است. من پيش تر گفته ام: «ايران گلوگاه تضمين قدرت در برابر رقبا در هلال هارتلند - ريملند بزرگ است. نفت برای آمريکا کالاي استراتژيک نيست ولي جغرافياي ايران داراي کدژئوپولتيک و ژنوم ژئواستراتژيک برای نظم آينده جهاني است. در قرن بيستم از آن رونمايي شد. اکنون اين امر به تحکيم می رسد. تثبيت ان می تواند به دست ملت ايران باشد».<sup>۲۷</sup>

ايران بهترين شريک استراتژيک برای آمريکا در برابر اروپا و جين است. اروپا با ايران در کنار امريکا با برجسته شدن قدرت چين سازگار می شود. چين از هم اکنون برای جبران آن چه احتمال دارد رخ دهد. در حال بازبيني سياست های خود نسبت به ايران است.

کاپلان به درستي به اين موضوع توجه دارد. او همه بازی را باز نمی کند. بازنده های ديگر نگران هستند. کاپلان می نويسد: «چيني ها اهميتی نمی دهند که ايران دموکراتيک باشد و رژيم جديد ايران نيز خواهان توسعه بيشتر خطوط حمل و نقل زميني - راه آهن، جاده و خطوط لوله - به چين است.

چنين ايران پر جنب و جوش، حتی با

<sup>۲۷</sup> <https://www.namehnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B9%D9%80%D9%88%D9%85%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DA%98%DB%8C-%D8%A2%DB%8C%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A2%D9%80%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7>

<https://khabarfarsi.com/u/۵۰۴۶۳۶۷۷>

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/۱۹۷۷۵۴۱/%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7-%D9%88-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%86%D9%84-%D8%A8%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D9%80>



ما در حال ورود به عصر گوی بلورین و خروج از اتاق شیشه ای هستیم. ۲۹ در باب فراهمسنگان اجتماعی و سرآمدان در کتاب "هویت خشونت‌گریزی توسعه پایدار" رساله‌ی کوتاه در باب خشونت" منتشره به سال ۱۳۸۳ سخن به میان آوردم. این بخشی از رساله دکترای جامعه‌شناسی سیاسی ام بود که مدرک آن در ایران قابل قبول نشد!! این سرآمدان ۳۰ را شترصفتان ۳۱ خوانده‌ام.

همان گونه که بیان شد فناوری‌های ارتباطی و ارتباطات در این مسیر پیشران مهمی هستند که نمی‌توان اثرات آن‌ها را نادیده گرفت. اوترنت یا اینترنت جهانی و کم‌رنگ شدن مرزهای ملت – دولت‌ها و تبدیل آن‌ها به رسانه – دولت‌ها و دولت – شبکه‌های آینده جهانی تکثر موجود در کشورهای حاضر را به دوره میان وحدت جهانی خواهند کشید. در "آینده رسانه‌ها و نقش آن‌ها در جنبش‌های نوین اجتماعی" و کتاب "آینده قدرت" به شکل مبسوط به این‌ها پرداخته‌ام.

جغرافیای قدرت بار دیگر هندسه منطقه بندی قدرت را تجربه خواهد کرد. اما این بار این تجربه نسبت به گذشته‌ها از نظر ماهیت مفهوم قدرت متمایزتر از همیشه خواهد بود.

---

<sup>۲۹</sup> -Mehdi Motaharnia, Ensiyeh Salehi, (۲۰۱۷), Glassy cabin and eight arts of life in parallel reality, Revista de la Universidad Del Zulia (ISSN: ۰۰۴۱-۸۸۱۱).

<https://youngsociologists.com/%D%A7%D%A7%AA%D%A7%D9%A2-%D%B4%DB%AC%D%B4%D9%A7-%D%A7%DB%AC-1-%D9%A8-%D9%A7%D9%A6%D%B1-%D9%A7%D%B4%D%AA%D9%A5-2-%D%B2%D9%A6%D%AF%DA%AF%DB%AC-%D%AF%D%B1-%D9%A8%D%A7%D9%A2%D%B9%DB%AC/>

<sup>۳۰</sup> Broad mindedness

<sup>۳۱</sup> Shaftan's Camel or camels

دگرگوني تنها در هندسه جهاني قدرت نخواهد بود. بلکه در جوهره و ماهيت قدرت تکانه هاي مهمي روی خواهد داد.

توانايي ايران براي استفاده از فرهنگ خود براي نشان دادن قدرت سياسي که کاپلان به آن اشاره دارد. همراه با نقش رسانه ها در اين باب را می توان در اين مسير تحليل کرد.

ورود به سال ۲۰۲۳ و آن چه در اين ماه ها و سال هاي آتي تجربه خواهيم کرد. براي آينده ايران و ايران آينده بسيار مهم و حياتي است. ايران را فقط يك جغرافيا نمی بينيد و نخوانيد. ايران جغرافياي ذهني ای است که نومدرنيته و اومانيسم رهايي را می تواند برسازد. باور کنید بنيادهای قدرت بس مهمي در اين مفهوم که قبل از اين پرشيا نیز خوانده شده است. وجود دارد. سيمرغي می خواهد که سي مرغ را بفهمد.